



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان:

# فرصت شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث

استاد راهنما:

دکتر محمد کاظم رحمان ستایش

استاد مشاور:

دکتر محمد تقی دیاری

نگارنده:

ابوالحسن فدوی بنده قرایی

بهار ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به:

تشر و قدردانی:

## چکیده

اعمال و تصمیمات انسان، در صورت ایجاد مناسب‌ترین شرایط در یک بازه از زمان، به نتیجه مطلوب خواهند رسید. به این بازه‌ی زمانی فرصت اطلاق می‌شود. دین مبین اسلام در پرتو تعالیم قرآن و حدیث به مفهوم فرصت و نحوه استفاده از آن توجه خاصی نموده است. از منظر این تعالیم، فرصت، مهلتی کوتاه، محدود، در حال گذر، پایان پذیر و غیر قابل برگشت تعریف شده که بسته به نحوه برخورد با آن، نتیجه‌ی اعمال و تصمیمات انسان به فرصت سازی و یا فرصت سوزی ختم می‌شود. از تحلیل و بررسی آیات و روایات مرتبط، برداشت می‌شود بهره‌مندی و بکارگیری یکسری عوامل مثل؛ دوران‌دیشی، تعقل، تفکر، تأنی، عبرت از گذشته، تعجیل در استفاده از فرصت، زمان شناسی و توفیق الهی موجب می‌شود انسان بتواند فرصت‌های ایجاد شده در طول زندگی خود را شناخته و از آنها برای پیشرفت خود استفاده نماید و در نتیجه، به سعادت، خوشبختی و شادکامی ناشی از فرصت سازی دست یابد. و در مقابل آن، افتادن در دام از برخی آفات و عوامل همچون؛ تسویف، غفلت، تنبلی، تعصب، وسوسه شیطان، عجله قبل از زمان مناسب، باعث می‌شود انسان قادر به تشخیص فرصت‌های فراروی خود نباشد و نتواند از آنها جهت رشد و تعالی خود بهره ببرد. و آنها را از دست بدهد و در پایان، دچار خسران و ضرر، حزن و غصه، حسرت و پشیمانی ناشی از فرصت سوزی شود. این تحقیق از دیدگاه قرآن و احادیث به بررسی فرآیند فرصت شناسی پرداخته است. در ابتدا مفهوم فرصت مورد تحلیل قرار گرفته است و در ادامه با واکاوی و بررسی آیات و روایات عوامل و نتایج فرصت سازی استنباط شده و پس از آن نیز به بیان عوامل و نتایج جریان فرصت سوزی پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** فرصت، فرصت شناسی، فرصت سازی، فرصت سوزی.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### کلیات

۲	مقدمه .....
۴	۱. بیان مسأله تحقیق .....
۵	۲. سؤالات تحقیق .....
۵	۳. فرضیات تحقیق .....
۵	۴. ضرورت و اهمیت تحقیق .....
۶	۵. پیشینه و سابقه تحقیق .....
۶	۶. هدفها و کاربردها .....
۶	۷. روش تحقیق .....
۶	۸. سازماندهی تحقیق .....

### فصل اول

#### ماهیت و اهمیت فرصت

۹	۱-۱. گفتار اول: ماهیت فرصت .....
۹	۱-۱-۱. تعریف لغوی .....
۱۱	۱-۱-۲. تعریف اصطلاحی .....
۱۴	۱-۱-۳. معادل های فرصت .....
۱۴	۱-۱-۳-۱. مهلت .....
۱۶	۱-۱-۳-۲. أجل .....

۲۰.....	۱-۱-۳-۳. نفعه
۲۱.....	۱-۱-۴. انواع فرصت در متون دینی
۲۲.....	۱-۱-۴-۱. فرصت خیر
۲۳.....	۱-۱-۴-۲. فرصت شر
۲۵.....	۱-۲. گفتار دوم: اهمیت فرصت
۲۵.....	۱-۲-۱. فرصت مغتنم
۲۷.....	۱-۲-۲. جایگاه فرصت
۳۴.....	۱-۲-۳. فرصت شناسی
۳۶.....	۱-۳. گفتار سوم: موقعیتهای فرصت
۳۷.....	۱-۳-۱. غنی و بی نیازی
۴۰.....	۱-۳-۲. جوانی و شباب
۴۵.....	۱-۳-۳. صحت و سلامت
۴۸.....	۱-۳-۴. عمر و حیات و دنیا
۵۵.....	۱-۳-۵. فراغت و نشاط

## فصل دوم

### فرصت سازی

۶۰.....	۱-۲. گفتار اول: فرصت سازی
۶۵.....	۲-۲. گفتار دوم: نمونه هایی از فرصت سازی
۶۸.....	۲-۳. گفتار سوم: عوامل فرصت سازی
۶۸.....	۲-۳-۱. حزم و دور اندیشی
۸۰.....	۲-۳-۱-۱. آسیب شناسی حزم

۸۱.....	۲-۳-۲. تعقل
۹۱.....	۲-۳-۳. تفکر
۹۷.....	۲-۳-۴. تأنی و صبر
۱۰۳.....	۲-۳-۵. تعجیل در استفاده از فرصت
۱۱۱.....	۲-۳-۶. عبرت آموزی از گذشته
۱۲۰.....	۲-۳-۷. زمان شناسی
۱۲۶.....	۲-۳-۸. توفیق الهی
۱۲۹.....	۲-۳-۹. نتیجه
۱۳۱.....	۲-۴-۴. گفتار چهارم: نتایج فرصت سازی
۱۳۲.....	۲-۴-۱. آرامش
۱۳۳.....	۲-۴-۲. رشد و تکامل
۱۳۶.....	۲-۴-۳. رسیدن به هدف و آرزو
۱۳۷.....	۲-۴-۴. شادی
۱۳۹.....	۲-۴-۵. سعادت- خوشبختی
۱۴۴.....	جمع بندی

## فصل سوم

### فرصت سوزی

۱۴۷.....	۳-۱. گفتار اول: ماهیت فرصت سوزی
۱۵۲.....	۳-۲. گفتار دوم: نمونه‌هایی از فرصت سوزی
۱۵۸.....	۳-۳. گفتار سوم: عوامل فرصت سوزی
۱۵۹.....	۳-۳-۱. به تأخیر انداختن فرصت و تسويف
۱۶۵.....	۳-۳-۲. غفلت



۱۷۶	..... تنبلی و کسالت .۳-۳-۳
۱۸۰	..... تعصب و تبعیت بدون دلیل از دیگران .۴-۳-۳
۱۸۶	..... وسوسه شیطان .۵-۳-۳
۱۹۷	..... عجله قبل از رسیدن زمان مناسب .۶-۳-۳
۲۰۵	..... آرزوهای بلند و دست نیافتنی .۷-۳-۳
۲۲۰	..... نتیجه .۸-۳-۳
۲۲۱	..... گفتار چهارم: نتایج فرصت سوزی .۴-۳-۳
۲۲۲	..... زیان و خسران .۱-۴-۳
۲۲۹	..... ندامت و پشیمانی .۲-۴-۳
۲۳۴	..... حسرت .۳-۴-۳
۲۴۲	..... حزن و غصه .۴-۴-۳
۲۴۵	..... جمع بندی
۲۴۶	..... خاتمه و نتیجه گیری
۲۵۲	..... فهرست منابع

**کلیات**

## مقدمه

انسان پس از تولدش در یک مجموعه‌ی زمانی قرار می‌گیرد که در واقع مهلت زندگی او می‌باشد. لذا حیات او در این دنیا، توأم و همراه با لحظه‌هایی از زمان می‌باشد. از این جهت وی در حصار از زمان قرار می‌گیرد، که به سبب آن قادر نخواهد بود، فرا سوی زمانی که در آن قرار دارد را ببیند و از آن مطلع شود. از دیگر سو خلقت انسان از پی هدف و مقصودی شکل گرفته است و همین‌طور بیهوده و عبث انجام نشده است. خلقت انسان در حقیقت مهلتی است که در اختیار او قرار گرفته، تا بوسیله‌ی از آن، پس از طی مسیر رشد و تعالی، و کسب پیشرفت و سعادت، خود را به مقام قرب الهی و رضایت و هم‌جواری خداوند متعال برساند و در جوار او از نعمت‌های بی‌کران و نابود ناشدنی‌اش بهره‌مند شود.

مهلت حیات و همچنین مهلت‌های دیگری که در بستر آن برای انسان ایجاد می‌شود، در عین اینکه به ظاهر طولانی و بلند به نظر می‌رسند، اما به خاطر آنکه با عامل و مفهوم زمان آمیخته است، و زمان نیز سکون و ایستایی ندارد. آنها نیز در حرکت بوده و با گذری سریع رو به تمام شدن و نابودی دارند. لذا فرد برای رسیدن به هدف خلقت خود، باید به فاکتور در حال گذر بودن و تمام شدن حیات و عمر خود، دقت و توجه کافی داشته باشد.

در طول تاریخ نمونه‌های بسیاری وجود دارد که به سبب عدم دقت به این فاکتور و اعتماد به طولانی بودن حیات و عمر خود، هیچ‌گونه اقدامی برای تحقق فلسفه و هدف خلقت خود انجام نداده و در پایان عمر و مهلت حیات تازه به درگذر بودن زمان و به تبع آن زندگی خود پی برده‌اند. اما خود را از مقام قرب الهی، دور و بعید ساخته و موجبات سختی و آزار خود را فراهم کردند. لذا باید توجه داشت که، هیچ انسانی دو نوبت به دنیا نمی‌آید تا در یک بار، امور جهان و

نحوه‌ی رفتار و اعمال خود را آزمایش کند و در نوبت بعدی تجربیاتش را سرلوحه اعمال و تصمیمات خود قرار داده و با دقت و ظرافت از مهلت حیات خود استفاده کند. بلکه زندگی انسان، مهلتی است که تنها یک بار و آن هم به طور محدود در اختیار او قرار می‌گیرد.

علاوه بر این، انسان برای ادامه زندگی و ارتباط با دیگران و همچنین رشد و تعالی خود و دست‌یابی به پیشرفت‌های عالی مادی و معنوی، در جنبه‌های مختلف زندگی‌اش، ناگزیر از انجام اعمال، کارها و رفتارها و نیز گرفتن تصمیماتی می‌باشد. این اعمال و تصمیمات انسان به طور طبیعی در لحظه‌هایی از زمان صورت گرفته و انجام می‌شود. و از آنجا که، کارها و تصمیمات هدفمند، نیازمند وجود شرایط و لوازم مناسب و مطلوب می‌باشد. فرد برای رسیدن به هدف و مقصود خود، باید زمانی اقدام به انجام اعمال و تصمیمات خود بگیرد که شرایط و لوازم مناسب آنها موجود باشد. این شرایط مطلوب نیز تنها در یک برهه‌ی خاصی از زمان ایجاد می‌شود. لذا فرد باید با آمادگی کامل و اطلاع و شناخت کافی از این زمان و مشخصه‌ی در حال گذر بودن آن، به محض فرارسیدن این زمان، نسبت به انجام کارهای خود اقدام نماید، تا به مقصود و هدف خود برسد.

در ادامه این تحقیق، با تکیه بر متون دین مبین اسلام، قرآن و احادیث ائمه معصومین علیهم السلام، به بررسی این زمان مناسب، لوازم شکل‌گیری آن و همچنین عوامل و نتایج استفاده یا عدم استفاده از آن خواهیم پرداخت.

## ۱. بیان مسأله تحقیق

انسان به حکم انسان بودن خود محصور در زمان و مکان است، بدین جهت نمی تواند آن سوی زمان خود را ببیند و از آن اطلاع یابد. لذا باید همه اعمال و تصمیماتش را در چارچوب اولین زمان مناسب خود انجام دهد. تصمیم گیری و اعمال یک عمل، نیازمند شکل گیری و وقوع شرایط مطلوب آن عمل است. به این و وقوع شرایط مطلوب که یک بازه زمانی و یا بهترین زمان برای انجام یک کار است فرصت اطلاق می شود. چگونگی برخورد با این بازه ی زمانی مناسب، سبب شکل دهی نتیجه عمل انسان می شود. اگر فرد در این زمان تصمیم مناسب اتخاذ کند سبب رسیدن او به نتیجه مطلوب و در نتیجه آرامش می شود ولی اگر قبل از وقوع این شرایط یا رسیدن فرصت و یا بعد از آن اقدام به تصمیم گیری و انجام عملی کند نتیجه ای جز تأسف و اندوه نخواهد داشت. گاهی استفاده از این زمان مناسب و فرصت شناسی موجب خیر و رسیدن به هدایت می شود و گاهی عدم استفاده از شرایط مطلوب و فرصت سوزی، چه بسا زمینه ساز ضلالت و منجر به گمراهی شود.

از دیگر سو متون دین مبین اسلام، قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم السلام به نحوی مطلوب مفهوم فرصت، شرایط آن و عوامل مؤثر در فرصت سازی و فرصت سوزی را بیان کرده اند. استفاده از این رهنمودهای ارائه شده توسط آیات و روایات می تواند پلی برای رسیدن به استفاده صحیح از فرصت های ایجاد شده برای انسان و دوری از تسویف و فرصت سوزی های هلاکت بار باشد.

به بیان دیگر این تحقیق در پی آن است که به تبیین مناسبی از مفهوم فرصت پردازد و تبیین کند که توجه کردن به یک فرصت ایجاد شده چه تأثیری در نهایت کار انسان دارد؟ یا این فرصت بوجود آمده در چه زمینه ای قابل استفاده است؟ فرصت شناسی به عنوان یکی از فاکتورهای دخیل در سعادت و شقاوت انسان بررسی خواهد شد و به این سؤالات پاسخ خواهیم داد:

## ۲. سوالات تحقیق

۱. ماهیت فرصت از دیدگاه قرآن و حدیث چیست؟ و زمینه های استفاده از آن کدامند؟
۲. عوامل مؤثر بر فرصت سازی از نظر قرآن . حدیث چیست؟
۳. عوامل فرصت سوزی از نگاه آیات و روایات چیست؟

## ۳. فرضیات تحقیق

۱. فرصت به بازه زمانی وقوع شرایط مطلوب برای انجام یک عمل که بهترین زمان برای انجام آن عمل می باشد اطلاق می شود. این بازه زمانی، می تواند جهاتی مثبت یا منفی داشته باشد. اگر از این فرصت ایجاد شده استفاده شود زمینه ساز خیر و رسیدن به هدایت می شود، اما اگر به این فرصت شکل گرفته توجه نشود و یا قبل و بعد از آن اعمال عمل شود موجب خسران ، تأسف، اندوه و گمراهی و ضلالت می شود.
۲. از مهم ترین عوامل فرصت سازی و شناخت فرصتهای ایجاد شده در طول زندگی انسان: استباق خیرات، اجابت دعوت به خیر، هوشیاری، بصیرت، بینش و آگاهی، زمان شناسی و... است.
۳. از مهم ترین عوامل فرصت سوزی و از دست دادن فرصت های زندگی: تسویف (سوف سوف کردن)، غفلت، تقلید کورکورانه و تعصبات و... است.

## ۴. ضرورت و اهمیت تحقیق

انسان در زندگی خود ناگزیر از انجام یکسری اعمال، کارها و تصمیم گیری ها در جهت بهتر زیستن در زندگی فردی و نیز برقراری تعاملات با سایر انسان ها می باشد. هر عمل و تصمیم انسان در یک برهه زمانی واقع می شود. در این مجموعه ی زمانی تنها یک بازه خاص (که در آن شرایط مناسب مطلوب حاصل می شود) است که موجب نتیجه دهی مطلوب یک عمل یا تصمیم می شود. لذا انجام این اعمال و به تبع آن بهره گیری مطلوب از آنها مستلزم شناخت این فرصتها و بازه

های زمانی آن می باشد. چگونگی شناخت این فرصتها به منظور استفاده به موقع از آنها ضرورت انجام این تحقیق را اثبات می کند.

## **۵. پیشینه و سابقه تحقیق**

در مورد فرصت و ماهیت آن و نیز بحث فرصت شناسی، به طور خاص تاکنون کتاب، رساله یا پایان نامه ای نگاشته نشده است. اندک نگاشته هایی ناظر به اهمیت عمر و وقت تدوین شده است. البته عمر به عنوان یکی از موقعیت های مهم فرصتی با بحث فرصت شناسی مرتبط بوده و اشتراکاتی دارد. از جمله کتاب اغتنام فرصت و ارزش عمر، اثر سید اسماعیل گوهری که در زمینه ارزش عمر انسان نگاشته شده است.

## **۶. هدفها و کاربردها**

۱. تبیین رهنمودهای موجود در قرآن و حدیث در مورد استفاده از فرصت های ایجاد شده در زندگی.
۲. ارائه مدلی برای شناخت صحیح فرصتها از نگاه قرآن و احادیث می باشد.

## **۷. روش تحقیق**

روش ما در این تحقیق تحلیلی و کتابخانه ای بود که ابتدا آیات و روایات مرتبط با موضوع را استخراج کرده و با کمک تفاسیر، شروح و سایر منابع مرتبط آنها را تجزیه و تحلیل نمودیم و سرانجام ذیل هر موضوع، مطالب مرتبط با آن را ارائه نمودیم.

## **۸. سازماندهی تحقیق**

این نوشتار مشتمل بر مقدمه و کلیات، سه فصل، و خاتمه است. در در قسمت مقدمه و کلیات به ذکر مقدمه و بیان کلیات پیرامون بیان مسأله، سؤالات، ضرورت، پیشینه، هدفها و روش

تحقیق، پرداخته شده است و در فصل اول، ذیل سه بخش، ماهیت، اهمیت و موقعیت‌های فرصت، مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است. فصل دوم آن، در دو بخش عوامل و نتایج، به فرآیند فرصت‌سازی پرداخته و فصل سوم، نیز با دو بخش عوامل فرصت‌سوزی و نتایج آن، جریان فرصت‌سوزی را تحلیل نموده است.



## فصل اول

### ماهیت و اهمیت فرصت

## ۱-۱-۱. گفتار اول: ماهیت فرصت

در طول زندگی انسان بسیار پیش می‌آید که او به اغتنام فرصت و بهره بردن از فرصت‌ها تشویق می‌شود. در متون دینی و اخلاقی نیز سفارشات زیادی مبنی بر غنیمت شمردن فرصت‌ها به انسان شده است. اما واقعا این فرصت که این قدر به بهره بردن از آن تأکید می‌شود چیست؟ لذا لازم است قبل از ورود به بحث فرصت شناسی و چگونگی فرآیند آن معنی و مفهوم فرصت برای ما روشن و واضح شود.

### ۱-۱-۱.۱. تعریف لغوی

واژه فرصت از ریشه (ف رص) می‌باشد. از مطالعه کتب لغت، برداشت می‌شود که علمای این علم، این واژه را دارای چند معنا دانسته و آنرا به چند شکل معنی کرده‌اند. گروهی از لغویون، فرصت را قطعه‌ای از یک شیء معنی کرده‌اند. برای مثال، خلیل بن احمد فراهیدی و ابن اثیر در تعریف فرصه، بیان می‌کنند: فرصت قطعه‌ای از پشم یا پنبه است. و هنگامی که چیزی را قطع کنند، گفته می‌شود، (فَرَصَتِ الشَّيْءَ إِذَا قَطَعْتَهُ). ایشان در جایی دیگر، فریصه را که از همین ریشه می‌باشد، قطعه‌ای گوشت بین کنار و کتف می‌دانند که معمولاً در حال لرزش و حرکت می‌باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. «الفْرِصَةُ، قِطْعَةٌ مِنْ صُوفٍ أَوْ قِطْنٍ أَوْ خِرْقَةٍ». «الفْرِیصَةُ: اللَّحْمَةُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبِ الدَّابَّةِ وَ كَتْفِهَا لَا تَزَالُ تَرَعْدُ». عبد الرحمن خلیل بن احمد فراهیدی، العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، (قم، دارالهجره، دوم، ۱۴۰۹ق)، ج ۷، ص: ۱۱۳؛ ابن اثیر جزری، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، (چاپ ۴، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۴) ج ۳، ص: ۴۳۲

ابن منظور اندلسی نیز در کتاب لغت خود در ذیل ذکر اقوال مختلف به این وجه معنایی توجه کرده است. او نیز فرصت را، قطعه‌ای از پنبه یا پشم معنی می‌کند که زنان، برای پاکی از آن استفاده می‌کنند. و در ادامه الفُرْصُ را به شق کردن، و قطعه کردن، معنی کرده (الفُرْصُ: الشَّقُّ و الفُرْصُ: القطعُ) و المِفْرَاصُ و المِفْرَاصُ را که از همین ریشه است چاقوی عریضی که به وسیله‌ی آن چیزی را قطعه می‌کنند، دانسته است.<sup>۱</sup>

گروهی دیگر از اهل لغت، فرصت را یک نوبت زمانی معنی کرده‌اند که برای انسان امکان می‌یابد.

فیومی در کتاب لغت خود در ذیل معنی فرصت می‌نویسد؛ گروهی از مردم که مقدار کمی آب در اختیار دارند و هر یک از آنها دارای نوبتی هستند، پس گفته می‌شود؛ فلانی فرصت تو رسیده است، یعنی نوبت و وقت تو که از آب استفاده کنی، شده است.<sup>۲</sup> همچنین فراهیدی در جای دیگری از کتاب خود، این وجه را نیز برای فرصت بیان کرده و آن را معادل النهزة (نوبت و موقیت مناسب) می‌داند.<sup>۳</sup>

معنای نوبت زمانی برای فرصت، همراه با مشخصه امکان یافتن، بیان شده است. طریحی در تعریف فرصت می‌آورد: فرصت آن چیزی است که برای تو امکان می‌یابد.<sup>۴</sup> صاحب کتاب لسان العرب، در بیان اقوال مختلف به این وجه معنایی و مشخصه‌ی امکانی آن نیز اشاره می‌کند. او می‌

۱. « و الفرصة و الفرصة و الفرصة: القطعة من الصوف أو القطن، و قيل: هي قطعة قطن أو خرقة تَمَسَّحُ بها المرأة من الحيض.» و « المِفْرَاصُ و المِفْرَاصُ: الحديدَةُ العريضةُ التي يقطعُ.» محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱)، ج: ۷، ص: ۶۴

۲. (الْفُرْصَةُ) اسْمٌ مِنْ (تَفَارَصَ) الْقَوْمُ الْمَاءَ الْقَلِيلَ لِكُلِّ مِنْهُمْ نَوْبَةٌ فَيَقَالُ يَا فُلَانُ جَاءَتْ (فُرْصَتُكَ) أَي نَوْبَتُكَ وَ وَفَّتَكَ الَّذِي تَسْتَقْبِي فِيهِ فَيَسَارِعُ لَهُ وَ الْجَمْعُ (فُرْصٌ). احمد بن محمد فیومی، مصباح المنیر، [بی‌جا]، [بی‌تا]، [بی‌نا]، ص ۴۶۸.

۳. « الفرصة: النهزة، و يقال: أصابت فرصتك و نوبتك.» عبد الرحمن خليل بن احمد فراهیدی، العین، همان.

۴. « الفرصة: ما أمكن من نفسك.» فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، (تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵) ج ۴، ص ۱۷۷.

نویسد: «الْفُرْصَةُ: التُّهْزَةُ وَ النَّوْبَةُ، وَ أَفْرَصْتُكَ الْفُرْصَةَ: أَمْكَنْتُكَ. وَ أَفْرَصْتَنِي الْفُرْصَةَ أَيَّ أَمْكَنْتَنِي. وَ جَاءَتْ فُرْصَتُكَ مِنَ الْبِرِّ أَيَّ نَوَّبْتُكَ»<sup>۱</sup>.

با دقت در این معانی ذکر شده، می توان دو وجه عمده و اصلی را برای معنی لغوی واژه فرصت مورد توجه و مطالعه قرار داد. یک) قطعه ای از یک چیز، که بین قبل و بعد آن جدایی ایجاد می کند. (دو) نوبتی است که برای انسان ایجاد شده که دارای یک وجه زمانی می باشد. لذا با توجه به این دو وجه مورد نظر می توان گفت که فرصت، قطعه ای از زمان می باشد که به صورت موقعیت و نوبتی مناسب برای انسان شکل گرفته و به صورتی متناوب در حال گذر می - باشد و بین دو حالت تعجیل و تأخیر قرار دارد. در متون دینی نیز به همین معنای لغوی توجه شده است.

## ۱-۲-۱. تعریف اصطلاحی

همان طور که بیان شد، در معنای فرصت در متون دینی به همان معنی لغوی توجه شده است. لذا تعریف اصطلاح فرصت در متون دینی این گونه است؛ فرصت مهلت و بهره ای<sup>۲</sup> کوتاه<sup>۳</sup>، مشخص، محدود<sup>۴</sup> و پایان پذیر<sup>۱</sup> است. که در برخی فواصل زندگی انسان<sup>۵</sup>، بین پایانی در گذشته و آرزو و

۱. محمد بن مکرّم ابن منظور، **لسان العرب**، پیشین، ج ۷، ص ۶۴.

۲. «الفرصة غنم» - عبدالواحد تمیمی آمدی، **غرر الحکم و درر الکلم**، (قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶)، ص: ۴۷۴

۳. «زد من طول أملك في قصر أجلك و لا تغرنك صحة جسمك و سلامة أمسك فإن مدة العمر قليلة و سلامة الجسم مستحيلة» - عبدالواحد تمیمی آمدی، **غرر الحکم و درر الکلم**، پیشین، ص ۱۵۹.

۴. «جعل الله لكل شيء قدراً و لكل قدر أجلاً» - عبدالواحد تمیمی آمدی، **غرر الحکم و درر الکلم**، پیشین، ص ۱۰۳ - من خطبة له ع في قدرة الله و في فضل القرآن و في الوصية بالتقوى الله تعالى: « وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وَ لِكُلِّ قَدْرٍ أَجْلًا وَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابًا »، نهج البلاغة، ص ۲۶۵؛ « فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجْلًا » - همان، ص ۲۸۳؛ « جعل الله لكل عمل ثواباً و لكل شيء حساباً و لكل أجل كتاباً » - عبدالواحد تمیمی آمدی، **غرر الحکم و درر الکلم**، پیشین، ص ۱۵۷ - آیه ۲ رعد: امور دنیا نیز دارای زمان معین و مشخصی است و این تدبیر خداوند است که امور دنیا را که دارای زمان مشخص است تنظیم می کند.

«اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» خدا [همان] کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت، آن